

نفرین مهاجر

هر که آتش زد به کابل در بگیرد خانه‌اش
مثل ما آتش بگیرد خانه و کاشانه‌اش
هر که دست چور زد بر مال مردم از جفا
چور گردد مثل دیگرها سر و سامانه‌اش
هر که از سوز عزیزان خم نموده دوش ما
بار غم هرگز نگردد کم دگر از شانهاش
هر که آزادی کشور را نموده خدشه‌دار
تا ابد بینم گرفتار غل و زولانه‌اش
هر که ما را کرده مجبور از وطن آوارگی
خواهم از حق احتیاج از خود و بیگانه‌اش
هر که از خون‌ریزی مردم شود غرق شغف
پر شود از خون فرزندان او پیمانهاش
هر که خاکستر نشین کرده است الهی خواهیم
تا که خاکستر نشین بینم به هر ویرانه‌اش

حیات جاودان خواهی نیکو نامی کمایی کن
که هر کس نام نیک از خود گذارد زنده خواهد بود

www.saberheravi.com

استاد صابر هروی تا سال ۱۳۷۲ خورشیدی در کابل زندگی می‌نمود، در این سال بر اوج جنگ‌های داخلی راکتی به منزل رهایشی‌اش اصابت نمود و فرزند دلبنش «محمدناصر هروی» به شهادت رسید. استاد پس از مدت کوتاهی همراه با باقی اعضای خانواده راهی دیار هجرت گردیده و روانه پاکستان شد. با دریغ و درد که دست اجل مهلت بازگشت دوباره به دیارش را نداد. سرانجام با یک دنیا اندوه و ماتم در میان عالمی از آه و حسرت، در روز یک‌شنبه ۲۸ رمضان المبارک ۱۴۲۱ق برابر به ۴ جدی ۱۳۷۹ خورشیدی و مطابق ۲۴ دسمبر ۲۰۰۰م در شهر راولپندی کشور پاکستان دیده از جهان فرو بست.

روحش شاد و یادش گرامی باد.

نمونه کلام:

این چه عیدی‌ست که در عالم غربت داریم
همه شاد اند و ما رنج و مرارت داریم
عید ما نیست ز ایام محرم بهتر!
چون که با سوگ و غم و درد محبت داریم
ما که آواره به ملک دیگرانیم و حقیر
نی سر و برگ به این عالم غربت داریم
دشمنی چیست به ما ای فلک بی‌انصاف
ما که بسیار به عادات تو عادت داریم
عمرها شد که ندیدیم ز یاران لطفی
ز کسی کی طمع و چشم عنایت داریم
خو گرفتیم به فقر و تعب و بیماری
پس به آرامش نسبی چی ضرورت داریم
منت مردم دون‌پایه نخواهیم کشید
ما که افغان و مسلمان و غیرت داریم

زندگی نامه
روان شاد استاد
محمد محسن صابر هروی



زندگی نامه

زننده یاد استاد محمدمحسن صابر هروی

استاد محمدمحسن صابر هروی فرزند محمدرضا متولد سال ۱۳۰۶ خورشیدی/ ۱۹۲۷م در محله خواجه عبدالله مصری شهر قدیم هرات. نخست در مکتب خانه ها و پس از آن در مکتب چهار باغ هرات به کسب تحصیل پرداخت. به تعقیب آن تحصیلاتش را در مکاتب سلطان غیاث الدین غوری و سپس لیسه جامی به پایان رسانید.

نخستین وظیفه استاد صابر هروی شغل شریف معلمی بود. بعداً در سال ۱۳۲۶ خورشیدی فعالیت های هنری خویش را با اداره تئاتر هرات که در آن زمان به نام «هرات نندارتون» یاد می شد، آغاز کرد و پس از آن با چندین گروه هنری دیگر در ولایات مختلف همکاری داشت.

استاد صابر هروی از سال ۱۳۲۰ خورشیدی به سرایش شعر روی آورد و سرودهایش در روزنامه های اتفاق اسلام، بیدار، ستوری، سنایی، اتحاد بغلان، انیس، اصلاح، پروان، بدخشان، دیوه جوزجان، و نشریه های آیین، وطن، صدای عوام، پیام امروز، پیام وجدان، افغان ملت، ژوندون، بلخ و پشتون ژغ منتشر شده است.

از وی چندین مجموعه شعر نیز به جای مانده است، مجموع ابیات وی بیش از ۱۵۰۰ بیت می باشد.

چندین نمایش نامه از وی، مانند: فاخته و پخته به یادگار مانده است که هر یک در زمان خود، ضمن پخش از رادیو افغانستان، در کابل ننداری، پوهنی ننداری، بیدار ننداری مزار شریف، کندز ننداری، بغلان ننداری و بدخشان ننداری که خود بنیان گذار آن نیز بود، به نمایش درآمده است.

مأموریت ها:

- معلم در معارف هرات طی سال های ۱۳۲۲ و ۱۳۲۳؛
- ممثل تئاتر از سال ۱۳۲۶-۱۳۲۸ خورشیدی؛
- مؤسس و نخستین مدیر نساجی نندارتون ولایت بغلان از سال ۱۳۲۹-۱۳۳۵ خورشیدی؛
- آمر مطبعه ولایت پروان سال ۱۳۳۵ خورشیدی؛
- عضو تدقیق و مطالعات رادیو کابل از سال ۱۳۳۶-۱۳۳۸ خورشیدی؛
- طی سال های ۱۳۳۹ تا ۱۳۵۸ در وظایف:
- آمر مطبعه ولایت بدخشان؛
- معاون مدیریت تبلیغات و نشرات شاروالی کابل؛
- معاون مدیرمسئول جریده پامیر؛
- آمر اطلاعات و ثبت جریانات دوره های دوازدهم و سیزدهم شورای ملی؛
- مدیر در یکی از بخش های آرشیف ملی؛
- مدیر عمومی تحریرات وزارت مالیه؛
- منتظم و مدیر بررسی اشعار دری در رادیو تلویزیون کابل از سال ۱۳۶۲ الی ۱۳۷۲ خورشیدی؛

آثار

خوشه های ناچیده؛

افغانستان یا طشت خون در سه جلد؛

بوقلمون؛

تاریخچه شورای ملی؛

تاریخ لویه جرگه های افغانستان؛

باغنامه هرات؛

حوضنامه هرات؛

آیین هرات؛

تازیانه عبرت؛

صدای آشنا؛

گدازها؛

گازرگاه مدفن پیر هرات؛

رساله موسیقی؛

سخنوران محبوب هرات باستان؛

تصنیف ها و ترانه ها؛

جنبش های تاریخی؛

موسیقی و تئاتر هرات در یکصد سال اخیر؛

سخن سرایان جاویدان؛

جنگ دوم افغان و انگلیس؛

زمزمه ها (مجموعه شعر)؛

فانوس (مجموعه شعر)؛

چلچله ها (مجموعه شعر)؛

برگ های پژمرده (مجموعه شعر)